

حوزه علمیه و جهاد علمی^(۱)

در شأن نزول این آیات، سه گروه روایت داریم و هر سه می‌تواند به گونه‌ای صحیح و درست باشد:

۱. وقتی این آیه نازل شد پیامبر خدا دست به پشت سلمان زد و گفت: مقصود از این قوم با این صفاتی که در آیه آمده است سلمان و ملت اوست. سپس این جمله را فرمود:

«لو كان الدين معلقاً بالثرى لثاله رجال من قوم هذا».

«اگر دانش به ستاره ناهید آویخته باشد گروهی از ملت این مرد، بدان دست خواهند یافت».

۲. برخی از روایات می‌گویند این آیه مربوط به یاران حضرت مهدی (عج) است

«يا أيها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله لا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم» (مائده/ ۵۴).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از آیین خود باز گردد - به خدا ضرری نمی‌رساند خدا گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان، فروتن، در برابر کافران سرسخت هستند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند. این، فضل خداست، به هر کس که بخواهد می‌دهد و خدا گشایش دهنده و داناست».

۱. متن سخنرانی آیه الله سبحانی در همایش اساتید سطح و خارج حوزه علمیه قم در مدرسه آیه الله گلپایگانی، در تاریخ ۶/۳/۸۷.

۲. در برابر مؤمنان متواضع و فروتنند..

۳. در مقابل دشمنان سرسخت و قدرتمندند.

۴. در راه خدا جهاد می‌کنند.

۵. از سرزنش بی‌جای سرزنش کنندگان نمی‌هراسند.

ما، در مقابل این ویژگی‌های پنجگانه، روی ویژگی چهارم تکیه می‌کنیم و آن جهاد و تلاش در راه خداست. جهاد، معنی وسیع و گسترده‌ای دارد. هم جهاد مسلحانه را در برمی‌گیرد و هم جهاد قلمی و بیانی که امروز بیشترین زمینه را دارد.

حوزه باید از نظر بیان و قلم آن چنان توانایی پیدا کند که با ادبیات روز و شرایط حاکم بر جامعه همسو باشد. خوشبختانه حوزه از نظر قلم فارسی در حد مطلوبی قرار دارد و نویسندگان قوی و نیرومند و نشریات متنوع در حوزه هستند، اما از نظر بیان، باید به کاستی‌های آن نیز اشاره کنیم. منبر حسینی یکی از ابتکارات شیعه است که می‌تواند با طرح حادثه کربلا گروه

که به هنگام ظهور حضرت، دارای چنین صفات برجسته‌ای خواهند بود.

۳. طبق برخی دیگر از روایات: این آیه مربوط به قومی از یمنی‌هاست که مخلصانه از اسلام دفاع کرده و گروهی از آنان نیز در رکاب علی علیه السلام جهاد کردند.

همگی می‌دانیم که آیه از معنی وسیعی برخوردار است، و همه این سه گروه می‌توانند مصداق‌هایی از آن معنی کلی باشند، قرآن به سان آفتاب و ماه است که بر همه گروه‌ها می‌تابد و نور می‌باشد، چنان که در روایت وارد شده که: «إِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي مَجْرَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ».

در هر حال آیه برای گروه مورد بحث، ویژگی‌های پنجگانه‌ای یادآور می‌شود: ۱. خدا را دوست دارند و به حق عاشق خدا هستند و عاشق بر خلاف منویات معشوق کاری صورت نمی‌دهد، شاعر می‌گوید:

تعصی الإله وأنت تُظهِر حبه

هذا محالٌ في الفعلِ بديع

لو كان حبك صادقاً لأطعته

إنَّ المحبَّ لمن يُحبَّ مطيع

گروهی، این توانایی را ندارند و حوزه باید برای جهاد بیانی کوشش بیشتری کند.

و اما از نظر دروس، در عین حال که حوزه در رشته‌هایی بالیده و رشد کرده است، مانند رشته تفسیر، رشته کلام، و غیره، ولی از نظر علوم پایه حوزوی کاستی دارد. مقصود از علوم پایه، علمی است که در تمام رشته‌های حوزوی خود را نشان می‌دهند، مانند ادبیات عرب از قبیل صرف و نحو، اشتقاق و لغت و غیره.

امروز نویسندگی عربی در حوزه، نارسایی روشنی دارد، زیرا آن متونی که سابقاً تدریس می‌شد مورد بی مهری قرار گرفته و ما با احترامی که به مؤلفان جدید می‌گذاریم، یادآور می‌شویم که تجربه گذشته را نباید از دست داد. ادبیات پیشین، از تجربه خوبی برخوردار بوده، چیزی که هست باید کاستی‌ها و مشکلات آنها را حل کرد. هیچگاه صرف ساده، جانشین صرف میر و تصریف نخواهد شد، و همچنین دیگر نوشته‌ها. صرف ساده انباشته از مطالب زیادی است که سبب می‌شود که اصول علم صرف برای

انبوهی را در نقطه‌ای گرد آورد و تحت همین عنوان، حقایق را بازگو کند و اسلام را گسترش دهد. و حق، همان گفتاری است که می‌گویند: «الإسلام محمدی الحدوث، حسینی البقاء»، و مردم در این چند قرن، زیر منبر حسینی دین آموخته و متدین گشته‌اند ولی قدرت منبر حسینی و شیوه گذشته آن کم‌رنگ گشته است و خطیبان ارجمندی که در قرن گذشته در جامعه ما وجود داشتند، بزرگانی چون سید یحیی احمد آبادی (یزدی)، محقق خراسانی، مدقق خراسانی، راشد خراسانی، فلسفی، مرحوم شیخ محمد تقی اشراقی و... نظایر آنان در جامعه منبری امروز ما بسیار کم است، این سخنوران استوانه‌های منبر حسینی بودند که با يك منبر تحولی در شنونده ایجاد می‌کردند و پس از شنیدن سخنان آنان تصمیم بر ترك گناه می‌گرفتند و محتوای منبر آنها را کتاب خدا، حدیث معصومان، تاریخ گذشتگان، اشعار آموزنده و انتقادهای سازنده تشکیل می‌داد.

ولی اکنون منبری‌های ما به استثنای

عربی نگاشته شده است هرگاه ضعفی در این بخش باشد به تمام مراحل راه پیدا کرده و انسان نمی‌تواند علوم اسلامی را به نحو احسن فرا گیرد.

درباره منطق باید یادآور شوم که آن نیز از علوم پایه است. در همه علوم حضور دارد، اما منطق را به دو نوع می‌توان آموخت: منطق پایه، و منطق تخصصی. برای منطق پایه که انسان از قواعد کلی منطق آگاه باشد، حاشیه ملاعبده الله و یا خلاصه سه جلد منطق مظفر کافی است، ولی برای منطق تخصصی حتماً باید از سه جلد کتاب منطق مظفر تجاوز کرد و منطق اشارات و شفا را نیز دید، ولی عموم طلاب، منطق پایه را لازم دارند، بنابراین تدریس این سه جلد، با هدف سازگار نیست.

اصولاً باید کتاب درسی، متن مختصری باشد که استاد آن را شرح دهد و اگر همه مطالب در کتاب باشد دیگر، شاگرد احساس نیاز به استاد نمی‌کند. بهترین نمونه برای متن درسی، شرایع محقق و لمعه شهید اول است. بنابراین،

طلبه ملکه نشود، و در متون قدیمی این جهات کاملاً رعایت شده است.

شکی نیست که کتابهای پیشین نیز کاستی‌هایی دارد و باید آنها را رفع کرد ولی نباید آنها را کنار نهاد. خوشبختانه فرزندان ایران اسلامی، پایه‌گذاران ادب عربی بودند. از سیوییه شیرازی گرفته تا رضی استرآبادی تا برسد به عبدالرحمن جامی و دیگران که همگی از ستارگان درخشان آسمان ادب عربی هستند. سیوطی درباره رضی می‌گوید: محققان بعدی همگی بر سر سفره رضی نشسته‌اند.

چیزی که باید در کنار این نکته گفت این است که تازه همین کتاب‌های قدیمی نیز قواعد می‌آموزند، نه نگارش. نگارش برای خود فنّ دیگر و رشته دیگری است. مسئولان حوزه بالاخص شورای مدیریت باید برای اُفت ادبیات، تشکیل جلساتی دهد و برنامه‌ریزی کند. به عقیده من بهترین برنامه رجوع به کتاب‌های پیشین است، البته با اصلاحات.

آنچه مهم است که بدانیم کتاب آسمانی ما عربی و علوم اسلامی به زبان

پیشنهاد می‌شود، افراد وارد در منطق به ضمیمه صاحبان قلم به تلخیص سه جلد منطق مظفر اقدام نموده یک جلد منطق به عنوان علم پایه تعیین و تدریس شود.

از این که بگذریم مسأله بعدی مسأله علم اصول است. اکنون در پایه چهارم اصول فقه مرحوم مظفر تدریس می‌شود. مرحوم مظفر فردی است که اگر بعد از عصمت مقامی باشد، ایشان حائز آن بوده است. چون من ایشان را درک کرده و به نوعی در محضرش بودم. او انسانی وارسته و عاشق خدمت بود، ولی این سه جلد کتاب عصاره درس‌های استاد وی مرحوم آیه الله شیخ محمدحسین اصفهانی است. و اصلاً مناسبتی با پایه چهارم ندارد.

بخشی از مبساحت آن، هم سطح کفایه و بخشی برتر از آن است. لطفاً به این دو مورد مراجعه بفرمایید:

۱. تقسیم ماهیت به لا بشرط و بشرط شیء و بشرط لا.

۲. بحث استصحاب تنجیزی و تعلیقی.

و این کار ایجاب می‌کند که اگر شورا بر این کتاب اصرار می‌ورزد راه تلخیص را پیش بگیریم تا در يك سال، تمام آن خوانده شود.

حفظ سنت‌ها

حوزه ما برای خود، سنت‌ها و ویژگی‌هایی داشت و در طول چهارده قرن نتایج خوبی داده است و ما باید در حفظ آنها کوشا باشیم ولی این مانع از آن نیست که با چشم و گوش باز، از تجارب دیگران نیز استفاده کنیم. یکی از سنت‌های ما «استاد انتخابی» است، کوشش کنیم این اصل در غیر دو سال اول، حاکم بر حوزه باشد، یعنی در دو سال نخست حتماً باید برنامه و استاد از جانب شورا تنظیم و همگان بر اجرای آن موظف باشند، چون دانشجوی تازه وارد، تا استاد پیدا کند، سال تمام می‌شود، باید از وضع آماده استفاده کند، ولی پس از آن که روح او حوزوی شد و کم و بیش اساتید را شناخت، کوشش کنیم استاد به صورت انتخابی باشد که همه افرادی که شایستگی

دینی باشد، اشتباه نشود مقصود از «نوآوری» این نیست که اصول را زیر پا بگذاریم، بلکه مقصود آن است که از همان فقه جواهری و اصول نورانی اسلام، اندیشه‌های نوی را استنباط کرده و پاسخگوی مشکلات امروز باشیم. و باید جمعی برای گردآوری نوآوری‌های در علوم انسانی که در حوزه مطرح است گمارده شوند و حوزه نیز در این کار، همگام با دیگر مراکز علمی باشد.

مسئلاً پایان نامه‌ها می‌توانند مظهر نوآوری و شکوفایی باشد ولی باید این نوع نوشته‌ها تحت پوشش علمای حوزه قرار گیرد، مبادا به خاطر شعار نوآوری از اصول تجاوز شود و آنچه نباید بشود انجام گیرد.

تقویت مدارس تخصصی فقهی

خوشبختانه یکی از گام‌هایی که برخی از شخصیت‌های علمی برداشته‌اند، تأسیس مدارس تخصصی فقهی است، این مدارس اگر با حمایت همه جانبه پیش برود می‌تواند در آینده فقیهان بزرگ و

تدریس دارند، استعداد خود را نشان دهند.

یکی دیگر از سنت‌های ما اصرار بر مطالعه قبل از درس و مباحثه پس از آن است. این دو کار سبب می‌شود آنچه را که انسان از استاد آموخته، در ذهن خود متمرکز کند.

۳. تبدیل جلسات انس به جلسات بحث و طرح مسائل و کاستن از ورود در مسائل کم اهمیت که برای انسان مفید نیست. نُقل مجلس طلاب در گذشته مسائل فقهی و کلامی و اصولی بوده است.

حضرت امام می‌فرمود: در نقد کتاب «اسرار هزار ساله» در جلسات روضه و یا انس، اشکالات کتاب مطرح می‌شد، در همان گفتگوها مشکلات حل می‌گشت.

۴. کم کردن مواد درسی و کاستن از تنوع که سبب می‌شود آموخته در ذهن جای بگیرد و بیش از سه ماده تدریس نشود.

اکنون که سال جاری، سال نوآوری و شکوفایی شناخته شده، باید حوزه مظهر نوآوری و شکوفایی در مسائل علمی و

روحانی در نقطه‌ای مستقر می‌شود، از نوع این شبهات و پاسخ‌های آن آگاه باشد.

از این رو به نظر می‌رسد جزوه‌ای دربارهٔ رئوس شبهات وهابیان و بهاییان و مسیحیان که امروز بیشترین تهاجم فکری و فرهنگی را بر امت اسلامی آورده‌اند، تدوین شود و اگر شما اساتید محترم بر این کار تصمیم بگیرید. این سه بخش را می‌توان در سه گروه سه نفری سازمان داد، و مسلماً نتیجه خوبی خواهیم گرفت.

ما باید از کلام امام صادق علیه السلام که فرمود: «العارف بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» الهام بگیریم و شرایط زمان و مکان را در نظر بگیریم و تحصیلات حوزوی را به کوتاه مدت و دراز مدت تقسیم کنیم، چه بسا گروهی آمادگی دراز مدت را نداشته باشند و گروهی نیز علاقه‌مند به غور بیشتری باشند، و این تفاوت، ایجاب می‌کند که یک گروه علمی، به صورت مرتب در فکر پیشبرد حوزه و رفع نیازها و کاستی‌ها و افزودن برنامه‌ها باشند تا به فضل الهی این حوزه که اکنون مأوی و ملجأ شیعیان جهان است به پیشرفت خود، ادامه دهد.

اندیشمندی را تحویل دهد و جای خوشبختی است که در حوزه نوابغی وجود دارند که باید برای آنها برنامهٔ خاصی تدوین شود.

بشارت می‌دهم هم اکنون در حوزهٔ ما نوجوان چهارده ساله‌ای وجود دارد که در ۱۰ سالگی در کنکور دانشگاه شرکت کرده و با نمرهٔ بالایی قبول شده و اکنون در دروس خارج شرکت می‌کند و با آزمون‌هایی که من انجام دادم به حق از استعداد بالایی برخوردار است. این مواهب باید حفظ شوند، قبل از آن که دیگران آنها را از ما بربایند.

در پایان نکته‌ای را تذکر می‌دهیم و آن این که:

اصولاً باید افراد فارغ و آگاه و عالم و دانشمند، دانش‌های مورد لزوم یک روحانی را مطالعه و بررسی کنند و پس از بررسی‌های لازم، نتایج نظر مورد توجه شورای عالی قرار گیرد و در شعاع این بایسته‌ها دانش‌هایی در حوزه تقویت یا تجدید شود و یکی از آنها، شناخت شبهات است که امروز از در و دیوار کشور می‌بارد، و باید هر فردی که به عنوان